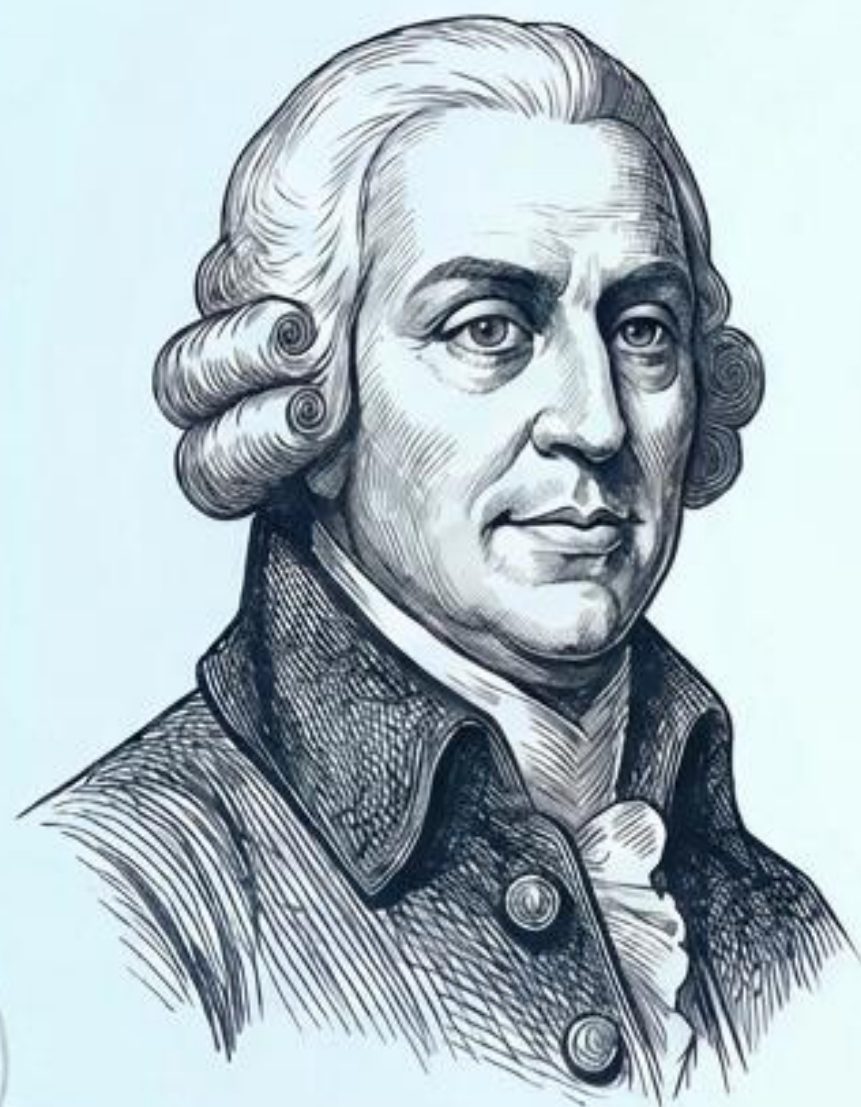




مرکز پژوهش‌های اتاق بازرگانی هرمزگان

سلسله گزارش‌های تخصصی: بازاری شناسی

شماره‌ی نهم: دست نامرئی آدام اسمیت؛ نظم خودجوش بازار



رویکرد اقتصادی برای فعالان اقتصادی و مدیران کسب و کارها

واحد پژوهش و آمار اتاق بازرگانی



اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی هرمزگان
Hormozgan Chamber of Commerce
Industries, Mines and Agriculture



مرکز پژوهش های اتاق بازرگانی هرمزگان



دست نامرئی آدام اسمیت

نظم خودجوشی بازار



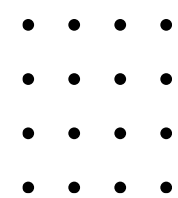
واحد پژوهش اتاق بازرگانی



مرکز پژوهش های اتاق بازرگانی هرمزگان



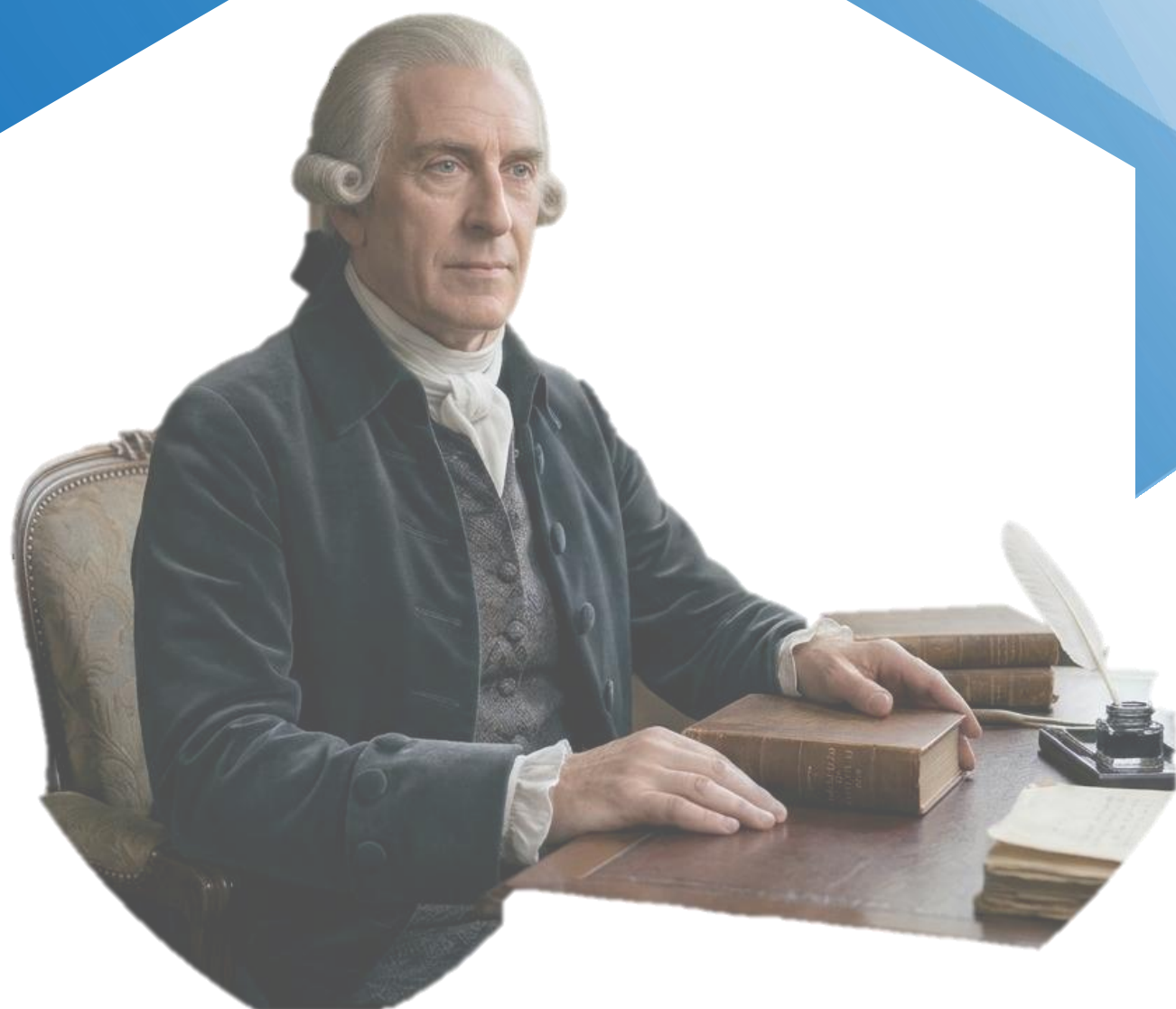
اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی هرمزگان
Hormozgan Chamber of Commerce
Industries, Mines and Agriculture

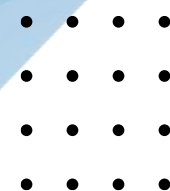


چیستی و معنای استعاره دست نامرئی

دست نامرئی استعاره‌ای از آدام اسمیت برای توصیف نظم خودجوش بازار است. ایده‌ی اصلی این است: وقتی هر فرد فقط به دنبال نفع شخصی خود باشد، رقابت و سازوکار قیمت‌ها به گونه‌ای عمل می‌کند که گویی دستی نامرئی منابع را به سمت کارآمدترین استفاده هدایت می‌کند و منافع عمومی تأمین می‌شود، بدون این که کسی چنین قصدی داشته باشد.

اسمیت نشان داد که جامعه برای حفظ نظم و فراوانی نیازی به نیت خیرخواهانه‌ی حاکمان یا فعالان اقتصادی ندارد، بلکه ساختار درست بازار می‌تواند «نفع شخصی» را به «منفعت عمومی» تبدیل کند.





دنیای قبل از آدام اسمیت

در قرون ۱۷ و ۱۸ میلادی، نظام اقتصادی غالب بر اروپا «مرکانتلیسم» یا سوداگرایی بود. برای فهم چرایی قیام فکری آدام اسمیت، باید ابتدا فرضیات بنیادین مرکانتلیست ها را کالبدشکافی کرد:

۱

در دیدگاه مرکانتلیستی، ثروت یک کشور با حجم فلزات گران بها (سبک شمش های طلا و نقره) موجود در خزانه های سلطنتی سنجیده می شد. نگرش آن ها به ثروت، نگرشی ایستا (Static) بود، نه پویا.

۲

مرکانتلیست ها معتقد بودند میزان ثروت (طلا) در جهان ثابت است. بنابراین، یک کشور تنها زمانی می تواند ثروتمندتر شود که کشور دیگری فقیرتر شود. منفعت یک ملت مستلزم زیان ملت دیگر بود.

۳

دولت های مرکانتلیست برای دستیابی به تراز تجاری مثبت، در اقتصاد مداخله می کردند: وضع تعرفه های سنگین وارداتی برای جلوگیری از خروج طلا، اعطای انحصارهای تجاری و رانت به کمپانی های بزرگ وابسته به حکومت، و سرکوب دستمزد کارگران جهت کاهش هزینه تولید و افزایش توان رقابت در صادرات.



چرا بعد از مرکانتیلیسم، نظریه‌ی اسمیت قوت گرفت

مرکانتیلیسم می‌خواست با دست مرئی و سنگین دولت، طلا جمع کند و نتیجه‌اش فقر عمومی و ثروت یک اقلیت بود. اسمیت نشان داد اگر دولت به‌جای تاجر شدن، داور شود؛ یعنی مالکیت را تضمین کند، انحصار را بشکند و کالای عمومی بسازد، نفع شخصی از مسیر قیمت به تولید بیشتر و قیمت کمتر می‌رسد. به همین دلیل می‌گوییم قیام اسمیت قیام علیه دخالت نبود، قیام علیه دخالت رانتی به نفع اقلیت بود.

سیاست آن را تأیید کرد: انگلستان به‌تدریج به تجارت آزاد رفت و لغو قوانین غله در ۱۸۴۶ نماد آن شد.

انقلاب صنعتی به آن نیاز داشت: کارخانه و ماشین از حدود ۱۷۶۰ به بازار بزرگ و رقابت نیاز داشت.

اقتصاددانان بعدی آن را مسلح کردند: ریکاردو، مارشال، هایک و ارو و دبرو آن کنایه‌ی گذرا را به دستگاه نظری کامل تبدیل کردند.

از نظر فکری ساده و اخلاقی بود: اسمیت گفت قیمت و رقابت هماهنگ می‌کنند، نه دستور دولت.



کالبدشکافی سه گانه عملکرد بازار

از دیدگاه اسمیت، نفع شخصی به معنای «خودخواهی بی حدومرز یا کلاهبرداری» نیست، بلکه تمایل طبیعی انسان به بهبود شرایط زندگی خود و خانواده اش است.

شفافیت و جریان آزاد اطلاعات

فعالان بازار باید به اطلاعات درست درباره کیفیت، قیمت و گزینه ها دسترسی داشته باشند تا امکان تصمیم گیری آگاهانه و انتخابی درست فراهم شود.

رقابت آزاد

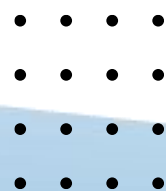
رقابت اهرم مهار سودجویی است که تولیدکننده را مجبور به کنترل قیمت، ارتقای کیفیت و نوآوری می کند تا مشتریان را به رقبا واگذار نکند.

سیگنال دهی قیمت ها

قیمت ها سیستم عصبی بازارند؛ افزایش قیمت نشان دهنده کمیابی است و سرمایه ها را خودکار به سمت نیازهای اصلی جامعه هدایت می کند.

انگیزه نفع شخصی

از دیدگاه اسمیت، نفع شخصی به معنای «خودخواهی بی حدومرز یا کلاهبرداری» نیست، بلکه تمایل طبیعی انسان به بهبود شرایط زندگی خود و خانواده اش است.





وظایف سه گانه حاکم (مرزهای مداخله دولت)

برخلاف سوءتعبیر رایج، اسمیت آنارشیزت یا طرفدار حذف کامل دولت نبود. او در دفتر پنجم
ثروت ملل سه وظیفه حیاتی برای دولت تعیین کرد:

حفظ مرزها و نیروهای مسلح

دادگاهها، پلیس و ثبت اسناد

راه، پل، بندر، آموزش پایه رایگان

بدون امنیت جانی و حقوق مالکیت،
مبادله و سرمایه گذاری شکل نمی گیرد.

امنیت یک کالای همگانی است و بازار
خصوصی انگیزه های برای ساخت ارتشی که
سود مستقیم ندارد، ندارد.

زیرساخت هایی که سودآوری مستقیم برای
یک فرد ندارند، اما بستر رشد کل اقتصاد
هستند.

دفاع ملی

اجرای عدالت

کارهای عمومی
و آموزش



مغالطه ها و سوءتعبیرهای تاریخی درباره دست نامرئی



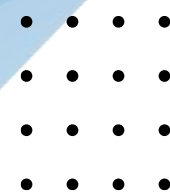
نظریه دست نامرئی و آرای آدام اسمیت طی قرون گذشته دستخوش سوءتعبیرهای فراوانی شده است. عده ای او را مرید بی قید و شرط «بازار کاملاً رها» (Laissez-faire مطلق) و گروهی دیگر او را مروج خودخواهی محض دانسته اند؛ در حالی که بررسی دقیق متون او (ثروت ملل و نظریه عواطف اخلاقی) تصویری کاملاً متفاوت ارائه می دهد.

۱
«بازار آزاد اسمیت به معنای آزادی انحصارات بزرگ است»

برخی فکر می کنند اسمیت مدافع شرکت های بزرگ تجاری و انحصارهای خصوصی به هر قیمتی بوده است.

در حالی که اسمیت بزرگترین منتقد تبانی تجار و شکل گیری انحصارها بود. او در جمله ای مشهور هشدار می دهد:

«اهالی یک حرفه نادر است که دور هم جمع شوند، مگر برای توطئه ای علیه عموم مردم یا افزایش قیمت ها.»



۲

«دست نامرئی یعنی ترویج خودخواهی و بی اخلاقی»

این گونه پنداشته می شود که اسمیت با عبارت «نفع شخصی» در حال تئوریزه کردن خودخواهی بی حد و مرز، فاقد اخلاق و به آب زدن به آسیاب سودجویان است. در حالکی او در کتابش تاکید می کند که انسان ها موجوداتی اجتماعی دارای «همدلی» (Sympathy)، وجدان و احساسات نوع دوستانه هستند. مدل او از بازار آزاد فرض می کند که فعالیت اقتصادی درون یک بستر از «قوانین عادلانه و اخلاق اجتماعی» جریان دارد؛ نه در جنگلی بی قانون که هر کسی حق دیگران را پایمال کند.

۳

«اسمیت معتقد بود بازار هرگز شکست نمی خورد»

این تصور وجود دارد که دست نامرئی همیشه و تحت هر شرایطی جامعه را به بهترین نقطه بهینگی می رساند و نیازی به هیچ اصلاح گری نیست. اما اسمیت با واقع گرایی اقتصادی می دانست که بازار بدون نهادهای قانونی و ضمانت اجرایی عدالت، به سمت فساد و غارتگری می رود. او به شدت مراقب بود که تاجران با فریب دولت، قوانین را به نفع خود تغییر ندهند. به همین دلیل تأکید داشت که دولت باید ناظر بی طرف و مجری عدالت باشد تا بازار سالم بماند.

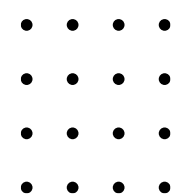




اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی هرمزگان
Hormozgan Chamber of Commerce
Industries, Mines and Agriculture



مرکز پژوهش های اتاق بازرگانی هرمزگان



سخن پایانی؛ آزادی در چارچوب قاعده

دست نامرئی ثابت کرد شکوفایی نه از انباشت طلا و دستور دولت، بلکه از آزادی رقابت در سایه‌ی قواعد عادلانه پدید می‌آید. وقتی رقابت آزاد، مالکیت شفاف و هزینه‌ها واقعی باشند، نفع شخصی ناخواسته به خیر عمومی می‌رسد. اما این دست نه جادو است و نه همیشه کار می‌کند؛ هنر اقتصاد امروز، ساختن تعادل میان آزادی بازار و نظارت هوشمندانه‌ی دولت است.



اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی هرمزگان
Hormozgan Chamber of Commerce
Industries, Mines and Agriculture



مرکز پژوهش های اتاق بازرگانی هرمزگان



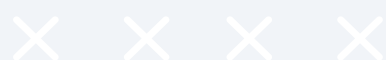
۰۷۶-۳۱۹۹۰۰۳۵



<https://bndccim.com>



otaghphbnd@gmail.com



گردآوری: زهرا رفیعی، کارشناس پژوهش

